

درس قواعد فقهیه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: قاعده تقیه
موضوع جزئی: قلمرو تقیه _ جهت چهارم: بررسی اعتبار و خوف ضرر در انواع تقیه مصادف با: ۱۳ جمادی الثانی ۱۴۴۰
تاریخ: ۳۰ بهمن ۱۳۹۷
جلسه: ۳۵

(الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین)

خلاصه جلسه گذشته

تا اینجا بحث در قلمرو تقیه بود که پیرامون سه جهت از جهاتی که به مسئله قلمرو تقیه مربوط می شود پرداختیم.

جهت چهارم: بررسی اعتبار خوف ضرر در انواع تقیه

جهت چهارم درباره کیفیت مدخلیت ضرر یا به تعبیر دیگر خوف ضرر در مشروعیت تقیه است.

بر اساس آنچه که تا بحال گفتیم و بر طبق ادله ای که بر مشروعیت تقیه اقامه شد و نیز مطالبی که درباره اقسام تقیه گفتیم، می توانیم حداقل در دو بخش مهم تر این موضوع را مورد ارزیابی قرار دهیم.

یکی در حوزه تقیه مداراتی است، دوم در تقیه خوفی و اگراهی که ملحق به آن است و نیز در مورد تقیه کتمانی می باشد که البته در این مورد شک است.

الف) تقیه مداراتی

در مورد تقیه مداراتی که گفته شد اساس این تقیه در مقابل عامه است و این روشن است. در این قسم از تقیه خوف ضرر یا احتمال ضرر، مطرح نیست چون اصلاً ماهیت تقیه مداراتی این است؛ تقیه مداراتی، تقیه ای است که برای جلب مودت و محبت و تحبیب قلوب عامه صورت می گیرد. منتهی نکته ای که در این رابطه باید مورد توجه واقع شود، این است که تقیه مداراتی در فعل حرام و ترک واجب، شاید موضوعیت نداشته باشد. گاهی ممکن است کسی بگوید که من برای تحبیب قلوب با عامه همراهی می کنم در ارتکاب یک حرام و یا ترک یک واجب؛ به نظر می رسد اینجا تقیه مداراتی وجهی ندارد. یعنی اینکه کسی برای تحبیب قلوب و مودت آن ها مرتکب یک فعل حرام شود یا واجبی را ترک کند، این مشروعیتش از ادله استفاده نمی شود. این شاء الله ذکر خواهیم کرد که در ادله تقیه شاید به وضوح این مطلب قابل استفاده باشد.

سوال:

استاد: ترک جزء یا شرط یا ارتکاب مانع، بحث دیگری است. این را قبلاً گفتیم که در تقیه برای موافقت گاهی ملازم است با اتیان به یک مانع و یا ترک یک جزء یا شرط، این غیر از این است که واجبی رأساً ترک شود و یا حرامی رأساً اتیان شود.

سوال:

استاد: مسئله اهم و مهم حسابش جداست و به مسئله عامه کاری ندارد. مثلاً کسی دارد کشته می شود، همانطور که ما آنجا به مقتضای قواعد باب تزاحم و حکم عقل در تقدیم اهم بر مهم عمل می کنیم، در جاهای دیگر هم همینطور خواهد بود.

به هر حال اینکه کسی برای ترک تقیه ضرری متوجه او نیست و ضرری متوجه غیر هم نیست از جمله إخوان مسلمین و طایفه شیعه، آیا چنین کسی می‌تواند برای جلب مودت و محبت آن‌ها، در این امور آن‌ها را همراهی کند یا خیر؟ خیر قطعاً چنین نیست. ادله‌ای که در این رابطه وارد شده، نوعاً درباره چند چیز است و این‌ها نوعاً غیر از ترک واجب و فعل حرام است. یکی مسئله صلاة است، حضور در مساجد این‌ها، عیادت مرضی و تشییع جناز این‌ها است. این‌ها همگی از عبادات‌اند یا از واجبات و یا مستحبات منتهی متفاوت با کیفیت این‌ها است. اما این امور منجر به ترک واجب یا فعل حرام نیست. مثلاً فرض کنید که ما قائل شویم به جواز شرب فجاج، کما ذهب إلیه بعضهم، در اینجا نمی‌تواند برای جلب مودت مبادرت به این کار کند و ما حتی گفتیم در صورت خوف ضرر اگر راه چاره وجود دارد، باید آن را انجام دهد. اما در مورد این امور که ادله تقیه مداراتی هم معطوف به این موارد است. در هیچ یک از این ادله نمی‌بینید که مجوز تقیه مداراتاً بدهند آن هم برای ارتکاب حرام یا ترک واجب.

پس ادله‌ای که در این رابطه وجود دارد و مستند تقیه مدارتی است، در این‌ها اصلاً مسئله ضرر مطرح نیست.

سوال:

استاد: در برخی موارد واجب و در برخی هم مستحب است و بستگی به شرایط دارد.

سوال:

استاد: « الصلاة معهم فی الصف الأول كالصلاة خلف رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ »^۱ باز در ابواب صلاة جماعت روایاتی وارد شده است که نماز با عامه از حیث اثر و ثواب مثل نماز پشت سر کسی است که به او اقتدا می‌کنند « يُحَسَبُ لَكَ إِذَا دَخَلْتَ مَعَهُمْ وَ إِنْ كُنْتَ لَا تَقْتَدِي بِهِمْ حُسْبُ لَكَ مِثْلُ مَا يُحَسَبُ لَكَ إِذَا كُنْتَ مَعَ مَنْ تَقْتَدِي بِهِ »^۲.

سوال:

استاد: خیر، می‌خواهد بگوید که این‌ها ثواب دارد. در هیچ یک از این‌ها مسئله خوف ضرر بیان نشده است و تمام روایاتی که ترغیب کرده است به نماز با آن‌ها خواندن و شرکت در جماعات و حضور در تشییع جناز و... در هیچ کدام این قید نیامده است و ما به چه مناسبت بگوییم تقیه مداراتی....

سوال:

استاد: می‌گوید « وَ إِنْ كُنْتَ »، نه اینکه نماز نخوان،....

در برخی از روایات هم به حکمت تشریح این تقیه اشاره شده است مانند صحیحة هشام کندی.^۳ « قال : سمعت أبا عبد الله (ع) يقول : إياكم أن تعملوا عملاً نعيّر به ، فإن ولد السوء يعير والده بعمله كونوا لمن انقطعتم إليه زيناً ، و لا تكونوا عليه

۱. وسائل ج ۲۳ ص ۲۲۷ باب ۱۲ از ابواب كتاب الإيمان حدیث ۱۶.

۲. وسائل ج ۸ ص ۲۹۹ باب ۵ از ابواب صلاة الجماعة حدیث ۳.

۳. کافی ج ۲ ص ۱۷۴ حدیث ۱۱.

شِيناً ، صَلَّوْا فِي عَشَائِرِهِمْ ، وَعُودُوا مَرْضَاهُمْ وَاشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ ، وَلَا يَسْبِقُونَكُمْ إِلَى شَيْءٍ مِنَ الْخَيْرِ فَأَنْتُمْ أَوْلَى بِهِ مِنْهُمْ ، وَاللَّهُ مَا عَدَلَ شَيْءٌ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الْخَبَاءِ ، قُلْتُ : وَمَا الْخَبَاءُ؟ قَالَ التَّقِيَّةُ»^۱

در هیچ یک از این روایات قید خوف ضرر نیامده است. این روایت که می‌گوید به گونه‌ای رفتار کنید که زینت ما باشید، در واقع به حکمت مدارا با عامه اشاره می‌کند. در روایت زید شحام که این را هم قبلاً خواندیم^۲ و صحیحۀ عبدالله ابن سنان هم همین مضمون وارد شده است.^۳

در روایات بسیاری نیز ترغیب به حضور در جماعات آن‌ها شده و این یعنی یک مخالفت طبیعی که معمولاً بین مردمی که در یک جا زندگی می‌کنند، باید باشد. این ترغیب و این که این از أحبّ عبادات است و ثوابش مانند ثواب نماز در صف اول با رسول خدا قرار داده شده، همه نشان می‌دهد که غرض شارع از ترغیب یا به این خاطر بوده که مسلمین در مقابل کفار اتحاد داشته باشند و نباید در برابر آن‌ها ذلیل شوند و واقعا هم اگر امر دائر شود بین سیطره کفار بر مسلمین و تعامل با فرق دیگر از مسلمین این کار رجحان دارد. البته بعضی هم هستند که مخالفت می‌کنند و می‌گویند سیطره کفار رجحان دارد.

سوال:

استاد: کبریاتش واضح است ولی آن‌ها می‌گویند آنچه که ما دیدیم، این بوده که باعث ضعف ما شده است و برای اینکه این مجموعه تقویت شود، ما سیطره کفار را ترجیح می‌دهیم.

کسی که در متن عالم اسلام تعامل با افراد مختلف داشته باشد، می‌فهمد که استراتژی وحدت چه حکمتی دارد و شما شک نکنید آنچه که کفار در پیوند با ما تعقیب می‌کنند این است که این پیوند را مقدمه‌ای قرار می‌دهند برای تضعیف یک فرقه و بعد فرقه‌های دیگر و کسانی که کفار را ترجیح می‌دهند به نظر بنده دچار کمبود در حوزه اندیشه هستند و یا شناختی نسبت به دنیای امروز ندارد.

پس ادله تقیه مداراتی هیچ یک مقید به خوف ضرر نیست و لذا خوف ضرر در تقیه مداراتی معتبر نیست و این تارةً بخاطر مسئله وحدت است و اخری (بدون در نظر گرفتن آن مصالحی که در وحدت است)، به این جهت است که بالاخره جمعیت شیعه یک جمعیت اقلیتی است که اگر به نحوی رفتار کند که تمام فرق را علیه خودش متحد کند، نتیجه‌اش انهدام شیعه می‌شود و این امر بسیار واضح است. این مطلبی است که امام هم به آن اشاره کرده است.^۴

سوال:

استاد: در این صورت باید مسائل نوعی را دید که اتحاد این‌ها مجموعاً به نفع اسلام هست یا خیر و یا اگر این اتحاد نباشد، بالاخره جبهه مسلمین را در برابر کفار ضعیف می‌کند ولو اینکه تشیع در اکثریت باشد. اگر تفرق و عدم وحدت

۱. وسائل ج ۱۶ ص ۲۱۹ باب ۲۶ از ابواب امر و النهی حدیث ۲.

۲. وسائل ج ۸ ص ۴۳۰ باب ۷۵ از ابواب صلاة الجماعة حدیث ۱.

۳. وسائل ج ۸ ص ۳۰۱ باب ۵ از ابواب صلاة الجماعة حدیث ۸.

۴. الرسائل الفقهیه و الأصولیه رسالة تقیه ص ۵۲.

منجر به سوء استفاده اجانب شود و باعث تقویت آن‌ها شود، باز هم باید این اتحاد باشد و این یک امر عقلایی و دینی است.

سوال:

استاد: به نظر بنده آنچه که آنجا مهم است، کانون‌های قدرت و کانون‌های فتنه است. انبیاء و ائمه و بعدش هم فقها بیشتر به این جهت توجه داشتند. اگر هم مردم عادی و آن‌هایی که در آن مجرا نیستند، حتی اگر این‌ها را هم بخواهیم هدایت کنیم، راه و روشش این نیست که با مقدّسات و عقائد آن‌ها مقابله کنیم. این نتیجه عکس دارد و بیشتر به ضعف و زوال مذهب اهل بیت کمک می‌کند.

به هر حال در مورد عدم مدخلیت خوف ضرر در تقیه مداراتی علی الظاهر بحثی نیست و حتی اگر مسائل نوعیه اقتضاء کند نه تنها این تقیه رجحان دارد بلکه در مواردی واجب هم هست.

سوال:

استاد: ما به مقتضای ادله این حرف را می‌زنیم و حد مدارا با استفاده از ادله معلوم شده است.

(ب) تقیه خوفی و اکراهی

مطلب بعد درباره تقیه خوفی و اکراهی است. که ملحق به خوفی می‌باشد. ادله مشروعیت تقیه دو دسته‌اند. دسته‌ای از ادله مطلق‌اند و ما به برخی از اطلاعات برای اثبات تقیه خوفی تمسک کردیم. و برخی از ادله به طور خاص منوط کرده‌اند مشروعیت تقیه را به خوف ضرر. حال باید دید که تقیه خوفی و اکراهی که منوط به احتمال ضرر شده‌اند، منظور از این ضرر چیست. در تقیه کتمانی هم به نوعی شاید بشود این مسئله را تعقیب کرد.

در تقیه کتمانی در واقع مسئله این است که بعضی از اسرار مذهب اهل بیت باید مکتوم بماند. اساساً گاهی اذاعه را در مقابل تقیه قرار داده‌اند مانند روایتی که از امام صادق علیه السلام وارد شده است در تفسیر آیه «وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ»^۱، قال (علیه السلام): الحسنَةُ التَّقِيهِ وَالْإِسَاءَةُ الْإِذَاعَةُ.

در این روایت و نظائر این روایت، شیعه مکلف شده است به اینکه کتمان کند بعضی از عقائد شیعه و برخی از معارف را. آنجا هم ما می‌بینیم که مسئله خوف ضرر مطرح شده است. بالاخره احتمال ضرر در این سه قسم دیگر تقیه مطرح است، تقیه خوفی، اکراهی و کتمانی.

در این بخش باید دید که منظور از احتمال ضرر چیست.

قدر متیقن از ادله، ضرر متوجه به خود شخص است و اعم از ضرر مالی، جانی و عرضی می‌باشد و البته ضرر باید معتدبه باشد که این را هم ما می‌گوییم ولی علی الظاهر این مقدار هم در ادله نیست بلکه اصل ضرر بیان شده است.

در مرحله بعد آیا احتمال ضرر برای برادر دینی هم مجوز تقیه هست یا خیر؛ یعنی احتمال ضرر به برادران دینی، مجوز تقیه می‌شود یا خیر؟ علی الظاهر این هم ملحق می‌شود به ضرر متوجه به خود فاعل. اما اینکه چرا ضرر متوجه به دیگران

^۱ کافی ج ۲ ص ۲۱۸ حدیث ۶. وسائل ج ۱۱ ص ۴۶۱ باب ۲۴ از ابواب امر و النهی حدیث ۹.

هم ملحق می‌شود به ضرر متوجه به این شخص، در مورد ضرر مالی از راه یک دلیل و روایت می‌توان وارد شد و در مورد ضررهای عرضی از راه اولویت.

در برخی از روایات گفته شده است که قسم دروغ برای حفظ اموال مسلمین جایز است و اگر کسی برای حفظ اموال مسلمین بتواند قسم دروغ بخورد در برابر دیگران، به طریق اولی در حفظ عرض و جان او می‌تواند تقیه کند.

سوال:

استاد: خیر، موافقت می‌کند با دیگران برای اینکه ضرر عرضی یا جانی به یک برادر مؤمنش نخورد. این در تقیه کتمان‌ی نیست بلکه در مورد ضرر خوفی و اکراهی می‌گوییم.

سوال:

استاد: اگر آن را بپذیریم، برای هر سه قسم می‌باشد و این دلیلی که می‌گوییم در واقع برای غیر تقیه مداراتی است. به هر حال بحث در هر نوع تقیه‌ای است که به نوعی احتمال ضرر در آن مداخلت دارد، ما داریم محدوده این ضرر را معلوم می‌کنیم که آن مواردی که تقیه در آن مورد مشروع است و منوط شده به احتمال ضرر، منظور از این ضرر چیست و اثبات می‌کنیم که چرا حدود ضرر این مقداری است که بیان می‌کنیم.

پس در درجه اول ضرر متوجه به خود فاعل، قدر متیقن از ادله‌ای است که مشروعیت تقیه را منوط به ضرر کرده است. همه آن ادله‌ای که به نوعی مشروعیت تقیه را منوط به ضرر کرده است، قدر متیقنی دارد که این قدر متیقن ضرر مالی عرضی و جانی است که به خود فاعل متوجه می‌شود؛ چون در هیچ یک این ضرر را مقید نکرده‌اند به خصوص ضرر جانی یا مالی و مطلقاً گفته‌اند ضرر و معلوم است که ضرر، یعنی ضرر متوجه به فاعل و اطلاقش اقتضاء می‌کند که همه انواع ضرر را در بر گیرد.

اما در مورد سایرین گفتیم که برخی از ادله مجوز حلف کاذب را برای حفظ اموال مسلمین داده‌اند. اگر ما این ادله را بپذیریم، قهراً به طریق اولی تقیه برای حفظ عرض و جان سایرین هم ثابت خواهد شد یعنی از مفهوم اولویت استفاده می‌کنیم. لذا تعدی می‌کنیم از مورد روایات که ضرر مالی برای برادران مؤمن است به ضررهای عرضی و جانی.

این هم در مورد محدوده و معنای ضرری که احتمالش به عنوان یک عامل در مشروعیت تقیه دخالت دارد. از آنچه که تا اینجا گفتیم معلوم می‌شود که ضرر فعلی و قطعی و یقینی ملاک نیست بلکه احتمال ضرر ملاک است البته احتمال عقلایی چه برای خود فاعل و چه برای دیگران مجوز ارتکاب تقیه است. این هم جهت چهارم بود.

بحث جلسه آینده

دو جهت دیگر از این بحث مانده است که جلسه بعد بررسی خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»